

نقدی بر شیوه مقدمه‌نویسی مقالات رشته ادبیات فارسی

نمونه موردی: مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی

عسگر بابازاده اقدام*

حسین خانی کلقای**

چکیده

یکی از معیارهای اساسی ارزشیابی مقالات اعم از علمی- پژوهشی و علمی- ترویجی، اهمیت و ضرورت مقدمه‌نویسی بر آن است. در این زمینه، صاحب‌نظران عرصه تحقیق و پژوهش به یافته‌ها و تجربه‌های ارزشمندی دست یافته‌اند که رعایت و به‌کارگیری صحیح این اصول می‌تواند به بهبود کیفیت ساختاری و روش نظام‌مند مقدمه‌نویسی و در نهایت مقالات منجر گردد. از جمله این اصول در حوزه مقدمه‌نویسی می‌توان به ارائه زمینه‌ها و دیدگاه درباره موضوع و اهمیت آن، مروری کوتاه بر متون علمی موجود، بیان منطق منجر به انجام پژوهش و بیان هدف مطالعه اشاره کرد. پایبندی به این معیارها و رعایت آن به مهارت و دقت فراوان نیاز دارد که نگارنده میزان این توجه را در شش شماره آخر مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی که جمعاً ۵۳ مقاله را دربرمی‌گرفت، مورد بررسی قرارداد و نتیجه آن شد که اکثر آنها فاقد معیارهای یادشده است.

کلیدواژه‌ها: مقالات، مقدمه‌نویسی، مجله ادبیات فارسی، نقد، روش تحقیق.

۱. مقدمه

نوشتن مقدمه‌ای خوب یکی از مهم‌ترین مراحل مقاله‌نویسی محسوب می‌گردد و یک

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خوی (نویسنده مسئول)

askar.babazadeh@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم ho.khani@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۲

مقدمهٔ خوب همچون دریچه‌ای است که خواننده را از دنیای بیرون به دنیای درون مقاله نویسنده وارد می‌کند و در حکم نقشهٔ راه برای خواندن کل مقاله به حساب می‌آید. آنچه معمولاً خواننده را به سوی خود متن می‌کشاند یا از خواندن متن منصرف می‌کند، مقدمه است. معمولاً، خوانندگان با مطالعهٔ مقدمه، نظری اجمالی دربارهٔ محتوای متن به دست می‌آورند؛ پس، متن باید با مقدمه‌ای خوب، دقیق، موجز و شیوا آغاز شود تا خواننده به خواندن کل نوشته ترغیب شود (میرزایی، ۱۳۹۰: ۸۹). عده‌ای از نویسندگان مقاله‌ای را می‌نویسند بدون اینکه اهمیت مقدمه و نحوهٔ هدایت آن به متن اصلی را بدانند و از آن استفاده کنند. یک مقدمهٔ خوب علاوه بر هدایت خواننده به سوی متن، عنوان را نیز تقویت خواهد کرد. پس، یک عنوان قوی زمانی قوی‌تر درک خواهد شد که به دنبال آن، مقدمه در راستای تقویت و نیز نحوهٔ گذر از آن و ورود به متن را موجب شود. هدف اصلی از بیان مقدمه پاسخ به این پرسش است که چرا پژوهش انجام شده است. بر این اساس، در نوشتار حاضر به بررسی معیارهای صحیح مقدمه‌نویسی و چگونگی آن‌ها در مقالات پرداخته شده و نهایتاً میزان تطابق آن‌ها را به عنوان موردی در مقالات مجلهٔ ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. در مورد علت اساسی انتخاب این مجله از میان مجله‌های کثیری که در حوزهٔ ادبیات فارسی وجود دارند، می‌توان به رعایت نکردن کامل معیارهای پژوهشی در آن و آشنایی مؤلف با دست‌اندرکاران این مجله و سروکار داشتن با امور آن اشاره کرد. البته، ضمن پاسداشت تمامی اقدامات دست‌اندرکاران این مجله، تنها هدف نگارنده از مقالهٔ حاضر، کمک در راستای بهبود شیوه‌های تولید مقالات مجله و در نهایت ارتقای کیفی بیش از پیش آن است.

شایان ذکر است مطابق بررسی‌هایی که از سوی نگارندهٔ گفتار حاضر انجام شده است، تا کنون در مورد این موضوع پژوهشی انجام نشده است، ولی می‌توان به موضوعات هم‌ردیف با آن به مقاله‌های «نقدی بر عناوین مقالات رشتهٔ ادبیات عربی» نوشتهٔ دکتر صادق عسگری و یا مقالهٔ «نقدی بر عناوین و بخش‌های داخلی و محتوای مقالات رشتهٔ ادبیات عربی» از سوی همان نویسنده اشاره کرد. لذا، مقالهٔ حاضر می‌تواند از لحاظ رویکرد انتقادی در جهت ارتقای سطح کیفی مقالات رشتهٔ ادبیات فارسی به طور عام و مجلهٔ ادبیات فارسی اشاره‌شده به طور خاص حایز اهمیت باشد.

بنابراین، مقالهٔ حاضر با رویکردی به معیارهای منابع متعدد که در مورد شیوه‌های مقاله‌نویسی و رعایت اصول صحیح آن تدوین شده‌اند، به نقد و بررسی کیفی مقالات

در زمینه نوع تنظیم مقدمه‌ها در مقالات مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی می‌پردازد. برای ارائه این هدف، نخست معیارهای مقدمه‌نویسی صحیح را استخراج کرده و بر اساس آن‌ها، همه ۵۳ مقاله از شماره‌های ۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴ مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

لذا، این مقاله در پی پاسخ به این پرسش‌هاست:

۱. معیارهای صحیح مقدمه‌نویسی در مقاله‌ها کدام‌اند؟
 ۲. میزان رعایت این معیارها در مقالات مجله ادبیات فارسی تا چه اندازه است؟
- امید است نتایج به‌دست‌آمده بتواند راهکار مفیدی برای رفع نواقص ارائه‌کرده و پژوهشگران و اساتید محترم را در امر مقاله‌نویسی یاری نماید و در ارتقای سطح کیفی مقالات منتشره آن مجله و دیگر مجلات مشابه مؤثر باشد.

۲. بحث و بررسی

معنای لغوی مقدمه عبارت است از آغاز و شروع کار و آنچه زمینه تحقق‌یافتن کاری را فراهم می‌کند (انوری، ذیل «مقدمه»). در اصطلاح مقاله‌نویسی، مقدمه نوشته‌ای است که در آغاز مقاله می‌آید و معمولاً در آن به معرفی مطالبی می‌پردازد که قبل از ورود به پیکره و متن اصلی مقاله، طرح آن ضرورت دارد. نویسنده در مقدمه مقاله چشم‌انداز کار خود را ارائه می‌کند و دو هدف کلی را موردنظر قرار می‌دهد: ۱. جلب توجه خوانندگان؛ ۲. هدایت و راهنمایی خوانندگان به اصل موضوع (علیزاده، ۱۳۹۰: ۷۶).

به طور کلی، ساختار مقدمه از توالی زیر پیروی می‌کند:

- ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع و اهمیت آن (طرح مسئله)؛
- مروری کوتاه بر متون علمی موجود (پیشینه تحقیق)؛
- بیان منطق منجر به انجام پژوهش (سؤال تحقیق)؛
- بیان هدف مطالعه (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸؛ نکوئیان، ۱۳۹۰: ۹۱؛ میرزایی، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۶).

۳. ارائه زمینه و دیدگاه درباره موضوع و اهمیت (طرح مسئله)

منظور از تبیین موضوع یا بیان مسئله این است که نویسنده مقاله به‌روشنی قلمرو و

محدودهٔ تحقیق را مشخص نماید و توضیح دهد که این مقاله در صدد چیست و می‌خواهد چه مشکلی را حل کند. مسئلهٔ پژوهش به عنوان نقطهٔ آغازین پژوهش عمل می‌کند و مرحلهٔ یکپارچه‌سازی است که بر همهٔ عنصرهای پژوهش جریان دارد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸؛ به نقل از دیدی و اورمود، ۲۰۰۵). در واقع، بیان موضوع پژوهش به زبان علمی، همان طرح مسئلهٔ پژوهش است. پس، پژوهشگر در نخستین گام برای طرح مسئله می‌بایست موضوع را در قالبی روشن و دقیق و بر اساس ضابطه‌های علمی مطرح کرده و جا بیندازد. لذا، باید با پخته‌کردن موضوع ابعاد آن را روشن کند (همان: ۱۱۰). نخستین خط مقدمه را می‌توان مهم‌ترین بخش آن در نظر گرفت، زیرا محور ایجاد انگیزه در خواننده از طریق تبیین اهمیت و گستردگی موضوع مطالعه است. در جملهٔ نخست مقدمه، معمولاً موضوع اصلی مطالعه معرفی می‌شود، حال آنکه با نگاهی به طرح مسئله در مقدمهٔ مقالات مشاهده می‌کنیم:

۱،۳ مجلهٔ شمارهٔ ۹، چاپ بهار و تابستان ۱۳۸۶

در مقالهٔ «نقد داستان ایرج در شاهنامه» می‌بینیم که مقدمه با مطلبی شروع شده که این مطلب می‌توانست جزو متن اصلی مقاله بوده و در آنجا ذکر گردد. نویسندهٔ مقدمه را این چنین آغاز کرده است:

فریدون پس از آنکه ضحاک ماردوش را با همدستی کاوهٔ آهنگر، به فرمان سروش، در البرزکوه به زنجیر کشید، در آغاز مهر ماه تاج کیانی بر سر او گذاشت و آتش افروختهٔ جشن مهرگان را بر پا داشت.

گفتنی است نویسندهٔ محترم مطلب یادشده را با یک سری مطالب مشابه تا آخر مقدمه ادامه داده است، در حالی که مقدمه بایستی زمینهٔ قبلی کار را با طرح مسئله ارائه دهد و در نتیجه به خواننده فرصت ارزیابی کار حاضر را بدهد (استاپلتون، ۱۳۷۹: ۴۷). نتیجهٔ عمل این چنینی نویسنده در این مقاله آن است که خواننده همچون فردی باشد که با چشمانی بسته او را در بیابان وسیع رها کرده و سپس از او بخواهیم مسیر و مقصد را پیدا کند. لذا، یک بیان مسئلهٔ مناسب که این مقاله از آن محروم است، بایستی در آنجا نهاده شود و در آن مشخص شود که پژوهشگر مقاله می‌خواهد به چه چیزی پاسخ دهد و باید واضح گردد که چه مسئله یا مشکل و حتی پرسش بدون پاسخ یا مبهمی وجود دارد که لازم شده بدان پرداخته شود.

در مقاله «بررسی اندیشه حکیم سنایی غزنوی در مورد ذات و وجود خدا»، مقدمه با ذکر پاراگرافی طولانی از یک منبع شروع می‌شود که به نظر می‌رسد می‌بایست نویسنده با زبان خود و با روش ادبی مسئله تحقیق را طرح نماید بدون آنکه به ذکر مطلب از منبع خاص اقدام بورزد. اما، با توجه به آنچه در آغاز این مقدمه دیده می‌شود، به مسئله تحقیق اشاره‌ای نشده است؛ در نتیجه، طبق گفته جرج. م. هال معرفی مطالب جدیدی که خوانندگان کاملاً از آن بی‌اطلاع هستند، باعث سردرگمی آنان می‌گردد؛ لذا باید از آن امر پرهیز گردد (هال، ۱۳۷۸: ۱۳). در پایان باید یادآور شویم که چنین نقیصه‌ای در بیش از پنجاه درصد مقالات تمام شماره‌های مجله مشهود است.

۲,۳ مجله شماره ۱۰، چاپ پاییز و زمستان ۱۳۸۶

در مقاله «اژدها آدم یا اهریمن انسان»، همانند مورد قبلی، مقدمه با ذکر مطلبی از یک منبع خاص شروع شده، بدون اینکه نویسنده شخصاً طرح مسئله را رعایت کرده باشد. البته، گفتنی است اگرچه ذکر مطلب از یک منبع در مقدمه بدون اشکال است، این حالت زمانی امکان‌پذیر است که بخواهیم به گفته‌های خویش استناد دهیم، در حالی که نویسنده محترم از همان آغاز به این عمل اقدام کرده و حالتی شبیه ابتدا به ساکن ایجاد کرده است.

در مقاله «آغازگران شعر معاصر ایران و عرب و تأثیر و تأثر آن‌ها از یکدیگر»، عنوان مقاله آن‌قدر کلی و ناواضح است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را در یک مقاله جای داد و بهتر بود نویسنده محترم موارد این تأثیر و تأثر را مشخص می‌کرد. در نتیجه، می‌بینیم که مقدمه با یک کلی‌گویی شدیداً آغاز شده و از سوق دادن خواننده به محتوای مقاله بازمانده است.

در مقاله «لغت‌سازی و اصطلاح‌یابی»، نویسنده محترم بدون توضیحات مقدماتی و تبیین مسئله به استناد از منابع دیگر اقدام کرده است.

در مقاله «دل‌محوری و سیر و سلوک درونی در دیوان شاه نعمت‌الله ولی و دیگر عرفا»، نگارنده مقاله مقدمه را با اشعاری از دیوان شاعر شروع کرده و سپس به بیان و شرح حال شاعر پرداخته است، حال آنکه این عبارات می‌توانست در بطن مقاله ذکر شود. لذا، تبیین‌نکردن مسئله تحقیق یادشده از سوی نویسنده باعث می‌شود خواننده تصور روشنی از مقاله حاضر به دست‌نیابرد و نداند که مسئله چیست و این تحقیق در پی چه چیزی است و سرانجام فایده و اهمیت پژوهش را درنیابد (طرقی، ۱۳۸۴: ۶۹).

۳،۳ مجلهٔ شمارهٔ ۱۱، چاپ بهار و تابستان ۱۳۸۷

در مقالهٔ «ارزش ادبی نهج البلاغه» نیز مقدمه با تمجید و تحسین از یک نویسنده آغاز شده و به علت آنکه موضوع مقاله بسیار کلی است و در جای خود همانند تعداد بسیاری از مقالات دیگر قابل نقد است، نویسندهٔ محترم می‌بایست طرح مسئلهٔ مقاله را طوری تدوین می‌کرد که در وهلهٔ نخست، خواننده را از حالت گم‌شدن در عرصهٔ بسیار وسیع آن موضوع خارج و او را به سوی نقطه‌ای خاص رهنمون شود. لذا، مقدمه با شرح تحقیقاتی که ارتباط دوری با موضوع مقاله دارد، آغاز شده و موجب خستگی خواننده می‌شود. در نتیجه، به یکی از اشکالات شایع در نوشتن مقدمه که در غالب مقالات دیده می‌شود، دچار گردیده است (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۲).

همچنین، در مقالهٔ «سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران»، مقدمه با حالتی شبیه به سخنرانی که پشت تریبون‌ها در مجالس اعم از رسمی و غیررسمی ارائه می‌شود، آغاز شده، سپس با استناد به منبعی که می‌توانست در بطن مقاله ذکر شود، ادامه یافته و دوباره با یک سری مطالب بسیار کلی و دور و بی‌ارتباط با موضوع تحقیق، ادامه می‌یابد. لذا، بایستی به یاد داشته باشیم وقتی مقدمهٔ خود را آغاز می‌کنیم، می‌بایست به‌روشنی دربارهٔ عنوانی صحبت کنیم که محتوای مقاله یا کارنوشت مبتنی بر آن صورتبندی می‌شود و دقت کنیم که عنوان مورد بحث مقاله در بند آغازین، با عنوان یا موضوع ارتباط مستقیم داشته باشد و خواننده را دچار سردرگمی نکند (میرزایی، ۱۳۹۰: ۹۷).

۴،۳ مجلهٔ شمارهٔ ۱۲، چاپ پاییز و زمستان ۱۳۸۷

در مقالهٔ «از غنا تا غزل»، مقدمه با تعریفی از غنا شروع می‌شود. این مطلب خود از چند لحاظ قابل بحث است: ۱. طرح مسئله باید گفتمان خود نویسنده و مبین و راهنمای موضوع مقاله باشد؛ ۲. اگر موضوع مقاله «از غنا تا غزل» است، به‌نظر می‌رسد مطالب مقاله بایستی ارتباط و دورنمایی از این دو مفهوم در ابتدا باشد؛ سپس، در صورت لزوم جداگانه هر یک مورد بحث و بررسی قرار گیرند. نگاهی به شکل مقدمه و مطالب بعد از آن در مقالهٔ مذکور، این مدعا را ثابت می‌کند که در مقدمهٔ آن هیچ اشاره‌ای به غزل نشده و از صفحات میانی به بعد است که پدیدهٔ «غزل» مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در مقالهٔ «مقایسهٔ کاربرد نمادین آب در غزلیات عرفانی عطار و مولانا»، مقدمه‌ای مشاهده نمی‌شود. اگرچه می‌دانیم رسالت اصلی مقدمه پاسخ گویا به این پرسش است که

چرا مطالعه انجام شده، انگیزه نویسنده از این مطالعه چه بوده است، موضوع اصلی مطالعه چیست و ...، نویسنده محترم در مقاله مذکور به جای مقدمه، در مورد مفهوم لغوی و اصطلاحی رمز یا نماد مطالبی را ذکر کرده است، حال آنکه می‌توانست این عبارات را تحت عنوان تعاریف واژگان یا ادبیات تحقیق و ... ذکر نماید.

در مقاله «درنگی در فیه‌ما فیه مولوی»، باز همان نقیصه مقاله پیشین مطرح است و نویسنده تنها با ذکر مطالبی که خود می‌توانست در متن مقاله مطرح شود، آن را مقدمه قرار داده است.

در مقاله «اوصاف عقل در تقابل با عشق و جنون ...» مقدمه با ذکر مطلبی از یک منبع خاص آغاز شده است؛ همان طور که در مقدمه مقالات قبلی نیز به آن اشاره شد. علاوه بر آن، در آغاز این مقدمه، نویسنده در مورد مطلبی نتیجه‌گیری کرده است (مجله شماره ۱۲، ۱۳۸۷: ۹۳)، در حالی که هرگز نبایستی در مقدمه به نتایج حاصل از مطالعه اشاره کرد (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۳؛ میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۰۰) و در مقاله «طنز در شعر معاصر» که موضوعی بسیار کلی است و می‌تواند موضوع و عنوان کتاب‌ها و رساله‌های متعددی قرار گیرد و نگاهی به فهرست مراجع این مقاله مدعای حاضر را اثبات می‌کند، ملاحظه می‌شود که این مقاله دارای مقدمه‌ای چهار سطری است، آن هم با یکسری جملاتی مبهم و کلی‌تر از عنوان مقاله. همین نقد بر مقاله «با متنبی در دیوانش» نیز وارد است. البته، مقدمه این مقاله با شرح حال شاعر (متنبی) آغاز شده است، در حالی که به نظر می‌رسد اگر نویسنده در آغاز مقدمه شرح حالی از خود مقاله ارائه‌دهد، بهتر خواهد بود و خواننده از ابهام خارج خواهد شد.

۵,۳ مجله شماره ۱۳، چاپ بهار و تابستان ۱۳۸۸

در مقاله «احمد عبدالصمد از نگاه بیهقی و منوچهری»، چهار پاراگراف آغازین مقدمه همه از یک منبع نقل شده است، بدون اینکه حتی یک جمله از خود نویسنده در میان این مطالب ذکر گردد. علاوه بر آن، در پاراگراف نخست مقدمه، مطلبی ذکر شده که به زحمت می‌توان ارتباط آن را با عنوان مقاله دریافت، حال آنکه نویسنده محترم باید دقت نماید که برای مخاطب بنویسد نه برای خود (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۳)؛ بدین معنی که ممکن است مطلبی از نظر نویسنده ساده و همه‌فهم باشد، اما بایستی دقت نماید آیا حقیقتاً چنین هست یا نه. لذا، دقت در چنین امری و رعایت آن می‌تواند تا حد زیادی راهنمای مقاله بوده

و نقشهٔ راه مناسبی برای مخاطبان تهیه نماید. البته، ناگفته نماند که در خیلی از موارد مشابه، این نقیصه قابل مشاهده بوده و عده‌ای از نویسندگان در خصوص آنچه می‌خواهند بگویند و نیز به مخاطبان نشان توجه کافی ندارند و نگارش خود را با ایده‌ای شروع می‌کنند و امیدوارند خواننده با درایت شخصی خود نکات مهم آن را دریابد و اعتراضی هم نکند. به نظر می‌رسد این نوع آغاز مقدمه شبیه به مرور مطالعه‌ای است که نویسنده از مقالهٔ خود انجام داده‌است؛ یعنی، وی قبل از ورود به بحث اصلی مقاله، در مقدمهٔ خود به محتوای متن اصلی گریزی می‌زند، حال آنکه این عمل صحیح نبوده و باید دقت کرد در مقدمهٔ مقاله به مرور مطالعهٔ خود نپردازیم و فقط باید به نکاتی اشاره کرد که برای فهم و قضاوت صحیح مطالعه ضروری هستند (هال، ۱۳۷۸: ۲).

۶،۳ مجلهٔ شمارهٔ ۱۴، چاپ پاییز و زمستان ۱۳۸۸

در مقالهٔ «نقدی بر شرح مشکلات حدیقهٔ سنایی» مقدمه‌ای مشاهده نمی‌گردد! در حالی که در مقالات نقدی، به سبب غالباً ذوقی بودن مسئلهٔ کار، روشن‌ساختن مسئلهٔ تحقیق و تبیین اوضاع و زوایای کار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نویسندهٔ مقالهٔ حاضر با نقدی که بر «شرح مشکلات حدیقهٔ سنایی» نوشته است، در آغاز می‌بایست ایرادهای اثر را با توضیحات کافی برای مخاطبان عرضه می‌نمود و مشکلات موجود را در پوشهٔ طرح مسئله تبیین می‌کرد، سپس به هدف اصلی خود می‌پرداخت. بنابراین، به نظر می‌رسد در این مقاله، نویسندهٔ محترم بایستی در مقدمهٔ مقاله ذکر می‌کرد که خواص حدیقهٔ سنایی چیست؟ مشکلات آن چیست؟ علت مشکلاتش چه بوده است؟ و خاصیت این نقد نسبت به نقدهای مشابه چه بوده که به‌رغم ذکر خود نویسندهٔ محترم مبنی بر شرح و توضیح اندیشمندان و صاحب‌نظران در مورد مشکلات و دشواری‌های حدیقهٔ سنایی، باز به نقد این مسئله پرداخته است. شایان ذکر است که نویسندهٔ محترم در چکیدهٔ مقاله مذکور، یادآور شده که «حدیقه/الحدیقه کتاب گران سنگی بوده و هیچ اثر دیگری نمی‌تواند جای مخصوص آن را پر کند و دارای مشکلات و دشواری‌هایی است که اینجا جای بحث آن نیست ...».

اما، اگرچه ممکن است چکیده محل ذکر آن‌ها نباشد، بهترین محل برای ذکر این مسائل، مقدمهٔ مقاله است. البته، نباید فراموش کنیم که در صورت زیادبودن علل و عوامل می‌توان خلاصه‌ای از آنها را ذکر کرده و به ذهنیت خواننده جهت داد. در مقاله‌های «معرفی نسخهٔ سلیم و سلمی» و «معرفی نسخهٔ خطی دیوان اشعار میرزا عبدالله متخلص به برقی

خویی»، مقدمه‌ای را که برای هر یک از دو مقاله مذکور ذکر شده، می‌توان برای مقاله‌های مشابه که در مورد معرفی نسخه خطی هستند ذکر کرد. به بیان دیگر، اگر جای مقدمه این دو مقاله مذکور را با هم جابه‌جا کنیم، هیچ اخلاقی در محتوای مقاله ایجاد نمی‌شود و این یک نقیصه بزرگ برای هر دو مقاله و مقدمه آن‌هاست، حال آنکه انتظار می‌رود در مقدمه هر یک از این مقاله‌ها دورنمایی از نسخه‌های یادشده و هدف و مسائل مورد کاوش ذکر شود. در مقاله «تصویر و شیوه‌های توصیف در غزل نو» همانند بسیاری از مقالات قبلی اشاره شده، مقدمه از کنار هم قراردادن یک سری مطالب از منابع مختلف تهیه شده است و به نظر می‌رسد بهتر است نویسنده محترم این مطالب را در متن مقاله مورد استناد قرار دهد. این نقیصه در مقاله «سیمای علی (ع) در رمان عذراء قریش ...» قابل مشاهده است که همین مسئله مانند مقالات قبلی باعث گشته خواننده با یک سری مباحث توصیفی و نه تحقیقی مواجه شود و مقاله را همانند مطلب عادی روزنامه‌ای مورد مطالعه قرار دهد.

۴. مروری کوتاه بر متون علمی موجود (پیشینه تحقیق)

مسئله بعدی که در تدوین مقدمه مورد توجه قرار می‌گیرد، بررسی متون و ذکر تحقیقات انجام شده مشابه و مربوط با آن است. در واقع، نویسنده باید روشن سازد که مطالعه وی به مطالعات قبلی چه می‌افزاید (آخوندزاده، ۱۳۸۶: ۴۹). در بررسی متون نباید خلاصه‌ای از تمام مطالعات قبلی ذکر شود و باید منابعی انتخاب شود که متناسب و بجا باشند و نویسنده به دنبال آن نباشد که نشان دهد جست‌وجوی وسیعی انجام داده و تا حد امکان مطالعاتی مورد اشاره قرار گیرد که مستقیماً با تحقیق حاضر مرتبط‌اند. پیشنهاد می‌شود ترجیحاً از مقالات پژوهشی اولیه در قسمت بررسی متون مقدمه استفاده شود، هر چند یافتن مقاله مروری مرتبط با موضوع، در فرآیند مرور بر متون و یافتن مقاله‌های اصلی می‌تواند سودمند باشد.

ذکر پیشینه تحقیق باعث می‌شود تا خواننده و نویسنده به موضوع اشراف بیشتری پیدا کنند و بر اطلاعات آنان در زمینه موضوع مورد مطالعه افزوده شود و این باعث می‌شود که وی با دید بازتری فضای نگرش مسئله را ببیند و در نتیجه بر مسئله تسلط بیشتری پیدا کند و با اشراف بر مسئله و اطمینان از بدیع بودن آن، کار پژوهش را آغاز کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۳) و همچنین بر اساس اطلاعات به دست آمده، اقدام به دوباره‌کاری نخواهد کرد؛ یعنی، وقت و توان و بودجه را صرف روشن کردن موضوعاتی که تا کنون روشن شده نخواهد کرد

و به کاری جدید و ابتکاری دست‌خواهدزد (همان: ۹۵). دستیابی به پیشینهٔ تحقیق از راه‌های زیر امکان‌پذیر است:

- انجام مطالعات مقدماتی؛

- کسب اطلاعات و بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای و اینترنت؛

- مراجعه به اساتید و کارشناسان و مشورت با آنان؛

- استفاده از راهنمایی کتابداران و مراجعه به فهرست کتابخانه‌ها و کتاب‌های آن‌ها؛

- جست‌وجو در برنامه‌های نمایه و منابع کتاب‌شناسی (علیزاده، ۱۳۹۰: ۵۵).

اما، در مورد مقالات مجلهٔ مذکور می‌بایست یادآور شد که به موردی برخورد نشد که در آن به پیشینهٔ تحقیق اشاره‌ای شده باشد. دکتر عباس حری در مورد این نقیصه بر آن است که:

۱. ناآگاهی نسبت به گسترهٔ موضوع ممکن است سبب شود که در پیش‌بینی مدت انجام کار دچار خطا شویم و تنها در میانهٔ راه نسبت به نادرستی پیش‌بینی خویش آگاه گردیم و خود را ناگزیر از محدود کردن موضوع بباییم.

۲. بی‌اطلاعی از سابقهٔ کار سبب می‌شود که آنچه در گذشته دیگران کرده‌اند، مورد غفلت قرارگیرد و به دلیل همین ناآگاهی، ناخواسته آزموده را دوباره بیازماییم، که طبعاً چنین لغزشی نه پذیرفتنی است و نه معقول. مرور آنچه در گذشته صورت گرفته، مشخص می‌کند که در مسیری مشخص چه منازلی طی شده و کار را از چه نقطه‌ای باید پی گرفت.

۳. تجربه‌های مکتوب پیشین روشن می‌کند که برای حل مسئلهٔ مشابه چه روش‌ها و مجراهایی آزموده شده، کدام کامیاب‌تر بوده است، و تا چه حد می‌توان نسبت به مسبب اطلاعات اطمینان داشت (حری، ۱۳۷۸: ۹).

بنابراین، با نگاهی به مقالات مجلهٔ یادشده از جمله «طنز در شعر معاصر» (مجلهٔ شمارهٔ ۱۲)، «سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران» (همان)، «با متنی در دیوانش» (همان)، «سفر از منظر قرآن» (مجلهٔ شمارهٔ ۱۳)، «گذری بر ارزش ادبی نهج‌البلاغه» (مجلهٔ شمارهٔ ۱۱)، «جایگاه نماز و نیایش در شعر فارسی» (مجلهٔ شمارهٔ ۹) و «اوصاف عقل در تقابل با عشق و جنون» (مجلهٔ شمارهٔ ۱۲) مشخص می‌شود که هیچ‌گونه اشاره‌ای به پیشینهٔ تحقیق در آن‌ها نشده است. گفتنی است تعدادی از مقالات این مجله حالت گردآوری و سرهم‌بندی مقداری اطلاعات خاص در یک موضوع معین دارند، حال آنکه مقاله‌های علمی - پژوهشی باید دارای جنبهٔ نوآوری بوده و مؤلف در مقاله نظری ارائه‌داده و با نوآوری در مقالهٔ خویش،

نسبت به پژوهش‌های مشابه بعدی به ارائه نظر بپردازد و مزیت تحقیق خود را نسبت به پژوهش‌های قبلی ذکر کند؛ برای نمونه، می‌توان مقاله «اوصاف عقل در تقابل با عشق و جنون» را ذکر کرد که در آن مؤلف از مقدمه گرفته تا پایان متن اصلی، هر پاراگراف را از یک منبع خاص نقل کرده و از کنار هم چیدن آن‌ها مقاله را تدوین کرده است. ناگفته نماند اگر فهرست منابع مقالات مذکور را نیز بررسی کنیم، مشاهده می‌شود که در میان آن‌ها عناوین کاملاً مشابه با عنوان مقاله یافت می‌شود؛ مثلاً، در مقاله «سیر ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران» منابع ذیل به عنوان مأخذ وجود دارند:

- تاریخ ادبیات کودکان ایران؛
- سیری در ادبیات کودک و نوجوان پس از انقلاب؛
- سیری در ادبیات کودکان و نوجوانان در ایران؛
- نگاهی به ادبیات کودکان قبل و بعد از انقلاب؛
- ادبیات کودکان از آغاز تا به امروز؛
- تأملی دیگر در ادبیات کودکان و نوجوانان؛
- تاریخ ادبیات کودکان ایران.

۵. بیان منطق منجر به انجام پژوهش

منظور از بیان منطق منجر به انجام پژوهش، پرسشی است که در ذهن نویسنده یا محقق ایجاد شده و او را برای یافتن جوابی برای آن پرسش، به پژوهش و نوشتن آن مقاله در یک موضوع خاص وامی‌دارد. در یک مقاله علمی پرسش‌های تحقیق را می‌توان به دو نوع، پرسش اصلی و پرسش فرعی تقسیم کرد. پرسش عمیق و یگانه که منشأ و اصل شکل‌گیری پژوهش است و از موضوع قابل استخراج است، «پرسش اصلی تحقیق» نامیده می‌شود. بنابراین، لازم است نویسنده در مقدمه به‌خوبی تأکید کند که به چه جوابی از این پرسش خویش رسیده است؛ به عبارت بهتر، کاستی‌های مطالعات قبلی چه بوده و مطالعه حاضر چگونه می‌تواند پاسخگوی پرسش‌هایی باشد که هنوز به پاسخ نرسیده است. چه انگیزه‌ای باعث انجام این مطالعه شده و به بیان دیگر این پژوهش در پی چیست (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۸).

با نگاهی به مقدمه مقالات مجله یادشده می‌بینیم که بی‌توجهی به این نکته، از شایع‌ترین مشکلات موجود در بخش مقدمه است، چراکه وقتی پرسشی در مقدمه مطرح نمی‌شود،

خواننده در نمی‌یابد با مطالعهٔ مقاله در پی چه چیزی باشد و به کدام مطالب دقت کرده و کلاً به کدام جهت حرکت کند.

اصولاً طرح مسئله و پرسش تحقیق را به تیری خارج‌شده از کمان تشبیه می‌کنند که طرح مسئله بدنهٔ تیر و پرسش تحقیق نوک و جهت آن است.

بنابراین، از میان تمام مقالات این مجله، فقط در دو مقاله می‌توان پرسش تحقیق را مشاهده کرد: «سریان حقیقت وجود و مسئلهٔ شرور» و «نگرشی تازه به شیوهٔ نگارش زنانه» (مجلهٔ شمارهٔ ۱۱)؛ هرچند که پرسش موجود در مقالهٔ «جایگاه نماز و نیایش در شعر معاصر فارسی» نیز پرسشی بسیار کلی همانند موضوع تحقیق خویش دارد (مجلهٔ شمارهٔ ۹).

۶. بیان هدف مطالعه

در هریک از انواع پژوهش‌ها، هدف‌های خاصی دنبال می‌شود که آن‌ها بر شکل‌گیری و چگونگی بیان مسئله تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌گیرند. هدف‌های هر طرح پژوهش بر حسب دستاوردهای آن متفاوت ارزیابی می‌شود. یکی از عوامل مؤثر بر تعیین هدف پژوهش این است که پژوهشگر با خود بیندیشد که پس از پایان پژوهش راجع به چه چیزی گزارش خواهد داد. این نتیجه‌گیری او می‌تواند از نوع پژوهش او نیز سرچشمه بگیرد. اگر پژوهش او از نوع بنیادین است، قطعاً هدف اصلی او کمک به توسعهٔ شناخت و پاسخ به کنجکاو‌ها در حوزهٔ خاصی خواهد بود، اما اگر پژوهش او از نوع کاربردی باشد، هدف او می‌تواند ارائهٔ راهکارها و راهبردهایی برای تغییر، اصلاح یا بهبود وضعیت موجود باشد (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

گفتنی است پاراگراف آخر مقدمه بهترین محل برای بیان هدف مطالعه است. این قسمت همچنین محل نوشتن مزایای تکنیک یا متدولوژی جدید نیز می‌باشد. با عنایت به اینکه سیر ارائهٔ مطالب در مقدمه همواره از عام به خاص است و نویسنده مطالب را از جنبه‌های کلی شروع کرده و رفته‌رفته به قسمت‌های اختصاصی‌تر می‌پردازد (آخوندزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹)، نهایتاً در پایان مقدمه لزوم انجام مطالعه را برای تکمیل آنچه انجام گرفته، روشن می‌کند و این همان هدف مطالعه است (همان: ۵۱).

با نگاهی به مقدمهٔ مقالات مجلهٔ مذکور مشاهده می‌شود که غالب آن‌ها دارای هدف مطالعه و تحقیق هستند، گرچه تعدادی از آن‌ها مقدمه ندارند و یا در صورت داشتن مقدمه نیز هیچ‌کدام از ارکان تشکیل‌دهندهٔ مقدمه را که در صفحات پیشین بدان‌ها اشاره شد، ندارند.

۷. نتیجه‌گیری

ضوابط و معیارهای لازم در مقدمه‌نویسی که خود شاخه‌ای از روش صحیح تحقیق و پژوهش است، به تجربه و دقت فراوانی نیاز دارد که با ملاحظه این ضوابط و تطبیق آن‌ها در مقالات رشته ادبیات فارسی می‌توان نکات زیر را به عنوان نتیجه برشمرد:

۱. مقدمه مقاله بایستی دارای طرح مسئله باشد؛ یعنی، ابعاد و زوایای پژوهش اعم از مشکلات موجود و آنچه او را وادار به تحقیق در یک حوزه خاص کرده است، در آن روشن شود. لذا، غالب مقالات بررسی شده از این ویژگی محروم‌اند.

۲. مقدمه مقاله بایستی دارای پرسش تحقیق باشند؛ یعنی، بایستی در آن علت و چرایی و چگونگی و ... انجام تحقیق برای مخاطب روشن گردد. بدون پرسش تحقیق، پژوهش هدف نخواهد داشت و احتمالاً حالت خستی خواهد بود. در نتیجه، با بررسی مقالات، به دست آمد که غالب مقالات مجله بررسی شده بدون پرسش‌اند.

۳. در مقدمه مقاله بایستی به پیشینه تحقیق اشاره شود تا بتواند ارتباط روشن بین تحقیق حاضر را با تحقیقات قبلی تبیین کند و از تکرار تحقیق خودداری و نیز مزیت‌ها روشن گردد. غالب مقالات مجله مذکور نیز عاری از این ویژگی‌اند.

۴. مقدمه مقاله بایستی در پایان، هدف از انجام تحقیق را روشن کند. علت بیان هدف این است تا خوانندگان مقاله پیام اصلی مقاله را از دست ندهند و در مورد آن قضاوتی صحیح داشته باشند. مقالات بررسی شده مجله مذکور از وجود هدف مطالعه در اکثر آن‌ها نشان داشت.

منابع

- آخوندزاده، شاهین؛ و همکاران (۱۳۸۶). مبانی نگارش علمی، تهران: مرز فکر.
- استاپلتون، پل (۱۳۷۹). نگارش مقالات پژوهشی، ترجمه محمدباقر شمس، کرمانشاه: طاق بستان.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت.
- حری، عباس (۱۳۷۸). آیین نگارش علمی، تهران: هیئت امنای کتابخانه‌های کشور.
- طرقی، مجید (۱۳۸۴). درسنامه روش تحقیق، قم: مرکز نشر هاجر.
- عسگری، صادق (۱۳۸۹). «نقدی بر عنوان مقالات رشته زبان عربی»، مجله زبان عربی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۲.

- علیزاده، ولی‌الله (۱۳۹۰). شیوهٔ مقاله‌نویسی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- مجلهٔ علمی - پژوهشی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۷). ش ۱۲، پاییز و زمستان.
- مجلهٔ علمی - پژوهشی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۸). ش ۱۳، بهار و تابستان.
- مجلهٔ علمی - پژوهشی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۸). ش ۱۴، پاییز و زمستان.
- مجلهٔ علمی - ترویجی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۶). ش ۱۰، پاییز و زمستان.
- مجلهٔ علمی - ترویجی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۶). ش ۹، بهار و تابستان.
- مجلهٔ علمی - ترویجی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد خوی (۱۳۸۷). ش ۱۱، بهار و تابستان.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۰). شیوهٔ عملی مقاله‌نویسی، تهران: جامعه‌شناسان.
- نکوئیان، علی‌اکبر (۱۳۹۰). مقاله «چگونه یک مقاله علمی بنویسیم؟»، مجلهٔ جراحی استخوان و مفاصل ایران، دورهٔ نهم، ش ۲.
- هال، جرج، م (۱۳۷۸). چگونه یک مقاله علمی بنویسیم، ترجمهٔ نورالدین پیر مؤذن، بی‌جا: مترجمین.

